



عکس: علی محمدی/ایران

اصلاح طلبان و اعتدالی‌ها؛ همگرایی با حفظ هویت مستقل

مصطفی معین: روحیه ایرانیان نامزد نظامی بر نمی‌تابد

این زمینه‌ها تقویت کنند. چون فرصت زیادی تا انتخابات ریاست جمهوری و شوراها باقی نمانده است، ضایعه درگذشت غیرمنتظره آقای هاشمی رفسنجانی بیشتر از اینکه برای اصلاح طلبان یک تهدید باشد می‌توان آن را تبدیل به یک فرصت کرد. نبود ایشان بیشتر از آنکه برای اصولگرایان یک فرصت باشد، می‌تواند یک تهدید ارزیابی شود.

اصلاح طلبان با آغاز بحث‌های مقدماتی انتخابات، از آقای روحانی اعلام حمایت کردند. به نظر شما این حمایت

ایجابی است یا به تعبیر برخی دیگر از سرناگزیری است؟

هر دو واقعیت این است که شورای نگهبان و ساختار کنونی انتخابات، اجازه رقابت چهره‌های اصیل و شناخته شده اصلاح طلب را نمی‌دهد. از سویی نوع دیدگاه‌های آقای روحانی در زمان تبلیغات انتخابات و سپس از آن به طور نسبی موفق بوده و مورد قبول طیف اصلاح طلبان است. ما آقای روحانی را هم در حوزه سیاست داخلی و هم سیاست خارجی و برجام موفق و برای کشور یک فرصت می‌دانیم.

بحث‌هایی در رسانه مطرح است که در کنار آقای روحانی آلت‌ناتیو‌هایی باشد، شما با این ایده موافق هستید؟

معتمد نباید این مسائل در سطح ملی در بوق و کرنا شود. در هر صورت برای هر شرایطی باید آمادگی وجود داشته باشد. از نظر من احتمال رذصالحیت آقای روحانی به صفر نزدیک است. هیچ عقل سلیمی به خود اجازه نمی‌دهد رئیس جمهوری مستقر را در دور بعد رد کند و جامعه را با بحران مواجه کند.

طرح این موضوع دامن زدن به جنگ روانی است. حتی اگر از طرف سخنگوی شورای نگهبان مطرح شده باشد، البته به نظر می‌رسد آقای کدخدایی هم مسائلی را در چارچوب اختیارات شورای نگهبان و نظارت استصوابی مطرح کردند و منظورشان مصداق خاصی نبود. با توجه به واقعیت‌های اجتماعی، تحولات منطقه‌ای و جهانی و همچنین عملکرد شخص آقای روحانی، احتمال این موضوع را صفر می‌بینم. شورای نگهبان پیش از تأیید و رد صلاحیت باید راجل سیاسی بودن کاندیدها را بررسی کند. این گونه نیست که فرد طی چند روز راجل سیاسی بودن خود را آن هم در ایام مسئولیت ریاست جمهوری از دست بدهد. اگر هم موضوع کارایی و مدیریت در میان باشد که در حیطه اختیارات شورای نگهبان نیست و مجلس باید به آن ورود کند. همین که در دوره ریاست جمهوری آقای روحانی، مجلس مسأله طرح عدم کفایت رئیس جمهوری را مطرح نکرده، بدان معناست که مجموعه نظام و مجلس عملکرد ایشان را قابل دفاع می‌داند. پس نباید در این زمینه بحث و درگیری وجود داشته باشد.

□ **مرحان طباطبایی/ «دود سفیدی از اردوگاه اصولگرایان نمی‌بینم.» این شاه بیت سخنان «مصطفی معین»، اصلاح طلب سرشناس درباره انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ است که معتقد است آقای حسن روحانی از انتخابات سال ۹۲ بیشتر شده است. با این چهره علمی و دانشگاهی که در انتخابات سال ۸۴ با حمایت بخشی از اصلاح طلبان وارد دکارزار انتخابات ریاست جمهوری شد، در محل کارش - مرکز طبی کودکان - به گفت و گو نشستیم. دکتر معین از حسن روحانی به عنوان یک فرصت برای کشور یاد کرده و در توضیح آن به موفقیت‌های سیاست خارجی و برجام اشاره می‌کند. او معتقد است: آقای روحانی جلوی تهدید را گرفت و بحران را از کشور دور کرد، به جای آنکه شورای امنیت سازمان ملل مدام ما را محکوم کند، به جای آنکه همه دنیا علیه کشور بسیج شوند. این گفت‌گورا با هم می‌خوانیم:**

آقای هاشمی رفسنجانی را تا حدودی می‌توانند جبران کنند. آقای هاشمی پلی میان طیف اصیل اعم از معتدل، اصلاح طلب و اصولگرا بود.

آقای هاشمی همیشه یک سوژه آماده برای حمله تندروها بوده است. این وضعیت اکنون از بین رفته، آیا ممکن است طیف دیگری را برای حمله و اثبات خود انتخاب کنند یا اینکه این بهانه از آنها گرفته شده و باعث می‌شود طیف اصولگرای معتدل از زیر فشارهای تندروها بیرون بیاید و قدرت مانور بیشتری داشته و میدان‌انداز شوند؟

پیش بینی در این زمینه سخت است. بر اساس احتمالات یک حالت این است که رگه‌هایی از طیف تندروها با عبور از مرحله موجود بار دیگر حملات تازه‌ای را علیه آقای هاشمی آغاز کنند و نبش قبر کنند. احتمال دیگر این است که شخصیت دیگری را برای حمله انتخاب کنند، چون این یک اشتغال مفید برای این طیف است. اگر بخوایم خوشبینانه و بدون توجه به برخی عناصر سیاسی از نوع «بدلی‌ها» به ارزیابی و پیش بینی از شرایط آینده بپردازیم، باید گفت آنها که اصالت دارند باید زودتر خود و کشورشان را دریابند و همگرایی بیشتری با اصلاح طلبان و اعتدالیون داشته باشند که معتقدم بهترین عرصه برای تحقق این امر مجلس شورای اسلامی است. فراکسیون‌های مختلف می‌توانند در موضوعاتی همچون توسعه علمی کشور، معیشت مردم و اقتصاد با هم همکاری داشته باشند و از هم حمایت کنند و رقابت خود را هم در سایر مسائل ادامه دهند. این الگو در احزاب نیز قابلیت اجرا دارد و با تقویت مبادلات حزبی در مسائل مختلف می‌توانند جامعه را از تفرق نجات دهند.

شما سیاست‌ورزی اصولگرایان پس از هاشمی را در انتخابات

پیش‌رو چطور می‌بینید؟

اصولگرایان در این حادثه میدان زیادی را به دست نیاوردند و نخواهند آورد، چون حضور مردم در مراسم تشییع جناب آقای هاشمی پشتوانه جدی و چه بسا حتی مؤثرتر از زمان حضور آقای هاشمی برای تفکر مبتنی بر اعتدال و اصلاح طلبی باشد. مشروط بر آنکه کسانی که تفکر آقای هاشمی را دارند، حسن استفاده را داشته باشند و سعی کنند همان مشی را ادامه دهند و حافظه تاریخی مردم را در

آقای هاشمی بویزه در یک دهه اخیر در آستانه انتخابات هم خودشان کنشگر مستقیم بوده و هم از نظر تأثیر گذاری در نتایج انتخابات‌های مختلف نقش مهمی داشتند، نبود ایشان در بعد ملی و سطح افکار عمومی بر نتایج انتخابات چه تأثیری خواهد داشت؟

من باتوجه به ارتباطی که از دیرباز با جناب آقای هاشمی داشتم، شهادت می‌دهم کاندیداتوری ایشان در انتخابات‌های مختلف از جمله ریاست جمهوری سال ۸۴، مجلس ششم و همچنین انتخابات سال ۹۲ به خاطر احساس وظیفه بوده است. رذصالحیت آقای هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ که بدترین برخورد حیثیتی با شخصیتی همچون ایشان بود، باعث مظلومیتی شده که مردم را حساس کرد و باعث افزایش آگاهی جامعه شد. اینکه آیم می‌شود نبود حضور ایشان را جبران کرد، پاسخ بنده منفی است. حدیثی در این زمینه وجود دارد که اگر بزرگ و عالمی آگاه فوت کند، خلأ وی را به آسانی نمی‌توان جبران کرد. این شخصیت‌ها را به دلیل مقبولیت عام، سرمایه نمادین جامعه می‌نامند که می‌توانند باعث تحول، نقطه عطف در حرکت جامعه و پویایی جدید شوند. از هنرهای مادر این کشور همیشه سرمایه سوزی بوده است. از امیرکبیر، مصدق، بازرگان، نامزدهای محصور انتخابات ۸۸ مهندس موسوی تا رئیس دولت اصلاحات و رهبری همه سرمایه هستند، خواه با خط سیاسی ما هماهنگ باشند یا نه. سایر کشورها این رویه را ندارند و حتی مخالفان خود را از تاریخ و کتاب‌های درسی حذف نمی‌کنند. سرمایه‌ها در مواقع خطیر می‌توانند به داد ملت برسند و برای نسل‌های بعدی الهام بخش باشند. اگر سرمایه‌های نمادین را قدر بدانیم خلأ حضور آقای هاشمی را سریع‌تر می‌توان جبران کرد.

به نظر شما این فقدان برای طیف اصلاح طلب و اعتدال‌گرا در انتخابات پیش‌رو آسیب‌زاست یا اینکه آنها می‌توانند از این سرمایه اجتماعی که شما اشاره کردید بهره ببرند؟

به نظر من اگر طیف اصلاح طلبان و اصولگرایان اصیل - و نه بدلی - که از اعتدال برخوردار هستند، با حفظ هویت‌های خود همگرایی بیشتری با هم داشته باشند و رقابت سالم داشته باشند، خلأ حضور